

هنر در

قالب‌های تبلیغی

(سنگر تبلیغ و کسب مهارت (۶))

ف - خسروی

یاد آوری:

در قسمت قبل، سخن از ابزارها و قالب‌های تبلیغی به میان آمد که ضمن نگاهی نو به این موضوع مهم، با اشاره به ابزارهای اصلی و واسطه‌ای، قالب‌های تبلیغی را به سه دسته «گفتاری، نوشتاری» و «دیداری» تقسیم کردیم و برای هر یک نمونه‌هایی آوردیم و با نگاهی به قالب‌های تبلیغی دریافتیم که «هنر» جوهره هر یک از آنهاست که باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در این قسمت موضوع «هنر و تبلیغ» و جایگاه هنر در قالب‌های تبلیغی را پی می‌گیریم.

انسان و هنر

هنر دقیق‌ترین و رساترین وسیله انعکاس اندیشه‌ها و آرمانهای شریف می‌باشد^۱ [و] هر ایده، اندیشه و انقلابی که در قالب هنر ننگجد ماندنی نخواهد بود.^۲

اگر با عظمت‌ترین اثر هنری را در برابر دیدگان سایر جانداران قرار دهیم اندک بازتاب و تأثیری از خود نشان نخواهند داد.

به عنوان مثال: اگر یک تابلوی هنری که در همهی دنیا بی نظیر است روی مقوایی کشیده شده باشد، برای جاندارى به نام موربانه غذای خوبی

**یک نمود هنری جایگاه تلاقی
روحی بزرگ - که دارای یک
نبوغ هنری است - با دیگر
ارواح انسان‌ها است که این
تلاقی هم باید برای روح
بزرگ هنرمند مفید باشد هم
برای روح تماشاگر**

انگیزه تحوّل به رشد و کمال را به آن
انسان‌ها - که خود جزئی از آن‌هاست -
بدهد.

فائده هنر برای انسان‌های تماشاگر
در صورتی که از اعماق روح هنرمند
توصیف شده برآید، فایده‌ی آب حیات
برای حیات خواهد بود.^۳

هنر چیست؟

هنر عبارت است از کیفیت بیان و
ادای یک مطلب به شکلی زیبا و طریف و
توأم با ذوق. این را ما هنر می‌گوییم که
شامل سخن گفتن، شعر گفتن، داستان
نوشتن، نویسندگی‌های هنرمندانه و
انواع و اقسام شاخه‌های گوناگون هنر
می‌شود، در هنر اصل این است که:

۱ - هنرمند یک پیام، مقصود و
مضمونی در ذهن داشته باشد و بخواند
آن را به مخاطب خودش تعلیم بدهد و
به ذهن‌ها و دل‌ها برساند و در آن رسوخ
بدهد.

۲ - این کار را با ظرافت و زیبایی به
صورت جاذبه‌دار انجام دهد.^۴

نقش‌های مذهبی در هنر عبارت
است از: شناخت هنر و بهره‌برداری از
نبوغ‌های هنر در هدف معقول و تکاملی
حیات که رو به ابدیت و ورود در پیشگاه

خواهد بود. به همان خوبی که یک
قطعه مقوای بی‌خط و نقش یا دارای
سطحی که مرکب روی آن ریخته شده
باشد یا مورچه‌ای که داخل مرکب افتاده
روی آن مقوا راه برود، مورچانه همه‌ی
مقواها را خواهد خورد.

یک نمود هنری جایگاه تلاقی
روحی بزرگ - که دارای یک نبوغ هنری
است - با دیگر ارواح انسان‌ها است که این
تلاقی هم باید برای روح بزرگ هنرمند
مفید باشد هم برای روح تماشاگر.

فائده هنر برای روح هنرمند این
است که با علم به این که انسان‌هایی به
اثر هنری او خواهند نگرست و رشد و
کمال یا سقوط آن انسان‌ها، در خود
هنرمند نیز اثر خواهد کرد. همه
استعدادهای مغزی و اعماق و سطوح
روح خود را به کار می‌اندازد تا تأثر و



آفریننده‌ی نبوغ‌های هنری و واقعیت‌هاست.^۵

هنر و کارایی آن

می‌دانید هنر این خصوصیت را دارد که به خاطر ملایمت با طبع آدمی، بی‌شک در طبع او اثر می‌کند. هر هنری در طبع آدمی اثر می‌گذارد. اگر چه آن کسی که مورد اثر قرار گرفته، نتواند آن هنر را تحلیل کند. هنر اثر خود را می‌گذارد؛ یعنی، دل را منقلب می‌کند و ... اثری در روح باقی می‌گذارد. هرچه مایه‌ی هنری کمتر باشد، اثر هم کمتر می‌شود.^۶

هنر به انسان قدرت گذار از سه مرز را عنایت کرد: مرز زمان، مرز مکان و مرز ظاهر....

از سوی دیگر اعمال انسان‌ها هر کدام رنگ جغرافیایی خاصی خورده است و محدود به مکانی خاص می‌شود. به طوری که برای سایر اماکن و مناطق ناشناخته و غیرمأنوس است ولی هنر آشنا به همه‌ی مرزها و مناطق است و مرز نمی‌شناسد و در همه جا قدر می‌بینید و بر صدر می‌نشیند. نمونه این سخن، ترجمه‌ی سخنان حافظ شیرین سخن و امثال او به چندین زبان زنده

دنیاست.

توان سومین هنر آن است که تنها گوش را نمی‌نوازد و بلکه هوش را بر می‌انگیزد و عواطف، احساسات و عقل و وجدان را تحت سیطره‌ی خود قرار می‌دهد... این سه توان هنر (گذر از زمان، مکان و ظاهر) باید در خدمت تعهد، ایمان و ارزش‌های اسلامی قرار گیرد. به عبارت دیگر، معارف الهی را باید بر مرکب هنر نشانند تا در تمامی مرزها و همه‌ی زمان‌ها و عمق جان‌ها نفوذ کند و سیطره و سلطه خویش بگستراند.^۷

هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است و جامعه اسلامی برای برقراری ارتباط و ابلاغ مکنونات قلبی خود به مخاطبینش به هنر فاخر و برجسته نیاز دارد.^۸

هنر و تبلیغ

با توجه به آنچه در موضوع «هنر» گذشت، برای رسیدن به «تبلیغ مؤثر» ضرورت استفاده از این عنصر مهم در قالب‌های تبلیغی کاملاً روشن است. بنابراین در سنگر تبلیغ علاوه بر داشتن محتوای ناب کسب مهارت نسبت به قالب‌های هنری بسیار مهم است و باید برای آموزش مهارت‌های تبلیغی

هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است و جامعه اسلامی برای برقراری ارتباط و ابلاغ مکنونات قلبی خود به مخاطبینش به هنر فاخر و برجسته نیاز دارد

برنامه‌ریزی کرد.

کار هنر با محتوا پایان نمی‌یابد، قالب نیز ارزش بسیار دارد. ظرف نازیبا مظروف زیبا را زشت جلوه می‌دهد. برای ساختن ظرف زیبا در عرصه‌ی هنر تنها استعداد کافی نیست، آموزش هم ضرورت دارد. هنرمندانی که قدرت آموزش اصول هنری را در خود می‌بینند، باید به یاری جوانان بشتابند.^۹

قالب‌های نوشتاری

در قسمت‌های قبلی (دوم، سوم و پنجم) به موضوع نویسندگی و ادبیات و کاربرد آن در تبلیغ‌نگاهی گذرا داشتیم و از «قلم» به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تبلیغ یاد کردیم و به صورت کلی راهکارهایی را برای شروع کار نگارش از

نظر گذراندیم. اینک وقت آن رسیده تا با قالب‌های مختلف نوشتاری بیشتر آشنا شویم و راهکارهای عملی هر یک را بیان کنیم.

گام اول:

نگارش که یکی از راه‌های مهم و مؤثر بیان مطالب است اگر چه به شاخه‌های مختلفی چون، شعر، نثر ساده و ادبی، قصه و ... تقسیم می‌شود، ولی در حقیقت همه‌ی این‌ها قالب‌هایی برای بیان «محتوا» است. بنابراین مهمترین و اولین گام تهیه محتوایی است که می‌خواهیم درباره‌ی آن بنگاریم.

برخی از مبلغان به ویژه آنان که در ابتدای راه تبلیغ‌اند گاهی با مشکل نداشتن محتوا رو به رو می‌شوند. در حالی که منابع غنی قرآن، حدیث و کتب علمی و دینی ما شرشار از مطالب ناب و قابل ارائه است. این مآخذ بسان گنجی می‌ماند که باید کشف و استخراج شود.

برای نوشتن سوژه بسیار است. فقط کمی دقت و ذوق می‌خواهد. اگر به اطراف خود نگاه کنیم، تمام صحنه‌ها، اشیا و رخدادهایی که می‌بینیم می‌تواند بهانه‌ای برای کار نگارش، باشد.

مبلغان



۸۳

باید به این نکته توجه کنیم که مبلغ چون همواره به موضوعات مختلف نگره‌ی دینی و ارزشی دارد، باید با منابع اسلامی و دیدگاه شارع مقدس آشنا باشد و هرچه بیشتر نسبت به این موضوع تلاش کند، در تبلیغ خود موفق‌تر خواهد بود.

برای این کار مبلغ باید با روش‌های مطالعه، خلاصه نویسی، یادداشت برداری، روش تحقیق و ... آشنا شود^۱ و از همان آغاز، با ذوق و جدیت از تمام لحظات عمر خود کمال بهره را ببرد. چه بسیار است جلسات و موقعیت‌هایی که ما در آن‌ها قرار می‌گیریم و می‌توانیم بهترین نکات و مطالب را برداشت کنیم اما به آسانی آن‌ها را از دست می‌دهیم. مبلغ شایسته است مترصدانه همه‌ی لحظات را شکار کند و با نوشتن و تنظیم کردن یافته‌های خود از اتلاف وقت و فرار فرصت‌ها جلوگیری نماید.

گام دوم:

قالب‌های نگارشی متنوع است مبلغ باید با توجه به کاربرد هر یک از آن‌ها زمینه‌های کاری و انگیزه خود را واریسی کند و با مطالعه استعدادهای

مبلغ چون همواره به موضوعات مختلف نگره‌ی دینی و ارزشی دارد، باید با منابع اسلامی و دیدگاه شارع مقدس آشنا باشد و هرچه بیشتر نسبت به این موضوع تلاش کند، در تبلیغ خود موفق‌تر خواهد بود

خود و مشورت با راهشناسی دلسوز توان خود را کشف نماید. در هر کدام از قالب‌های نویسندگی که موفق‌تر است، کار کند. البته ممکن است کسی به دلیل احاطه‌ای که در طول مسیر پیدا می‌کند، توان کار در همه‌ی قالب‌ها را بیابد اما بالأخره انسان باید کار را از یک جا شروع کند و بداند که: هر کسی را بهر کاری ساختند.

نسبت به قالب‌های تبلیغی، اولین گام آشنایی با آن‌ها و گام دوم کسب مهارت نسبت به آن‌هاست. از این جهت ناچاریم درباره قالب‌های مختلف نوشتاری و کارکرد آن‌ها مطالبی را طرح کنیم تا مبلغ با آگاهی مهارت‌های لازم را درباره‌ی آن‌ها کسب کند و اگر نتوانست

قالب‌های نوشتاری

الف - نثر:

نثر به نوشته‌ای می‌گویند که خالی از وزن و آهنگ و ویژگی‌های شعری است. آن را در مقابل شعر استفاده می‌کنند. نثر را معمولاً به ساده و ادبی تقسیم می‌کنند.

۱- نثر ساده:

نثر ساده را می‌توان به عنوان گام اول در نگارش انتخاب کرد. در این نوع نگارش محتوا در قالب نوشته‌ای ساده و روان به دور از هر نوع صنعت ادبی ریخته می‌شود.

مناسب‌ترین کاربرد این نوع نگارش مطبوعات و روزنامه‌ها است، از آن جا که مخاطب روزنامه‌ها عموم مردمند، لازم است نوشته‌ای روان با واژه‌های مفهوم و ساده باشد. تا همه به راحتی بتوانند مطالب را دریابند و اطلاعات را به دست آورند و دچار خستگی و انزجار نشوند.

به کسانی که به نگارش علاقه دارند پیشنهاد می‌شود ابتدا کار خود را با نثر ساده شروع کنند و با متنهای مطبوعاتی سر و کار داشته باشند تا قلم آنها از

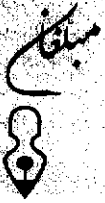
جمودی درآید و کم‌کم نوشته آنان از اشکالات دستوری، رسم الخطی و ویرایشی پیراسته شود.

پس از این مرحله - که تمرین مستمر لازمه آن است - می‌توان به قالب‌های دیگر نوشتاری نیز رو آورد. مطبوعات با توجه به جایگاه مؤثری که در میان رسانه‌ها دارد، یکی از عرصه‌های مهم تبلیغی است و در جای خود باید نسبت به ویژگی‌های نوشتاری آن مطالبی را طرح کنیم.

۲- نثر ادبی:

در نثر ادبی علاوه بر رعایت مواردی که در نثر ساده گفتیم، ملاحظت و شیرینی خاصی به چشم می‌خورد و واژه‌های آن گوش را نوازش می‌دهد. آنچه این نوع نوشته را از نوع ساده متمایز می‌کند، آرایه‌های ادبی و ... است. نگارش ادبی از جاذبه‌ی فوق العاده‌ای برخوردار است تا آن جا که می‌بینیم جوانان و نوجوانان که همواره عطشی سوزان نسبت به زیبایی‌ها و ظرافت‌های هنری دارند، متن‌های ادبی را جمع‌آوری و حتی حفظ می‌کنند.

در حقیقت شیرازه‌ی نثر ادبی هنر نمایی نویسنده است که با وصف، تشبیه، استعاره و کنایه و سایر صنایع ادبی،



آرایی به کار قلمی خود می دهد که هر صاحب ذوقی را به وجد می آورد و مجذوب خود می کند.

«خداوند خود نیز مطابق ناموس و قانونی که قرار داده است، عمل فرموده و کتاب خویش قرآن را در کاملترین صورت فصاحت و زیبایی بلاغت نازل کرده است، قرآن کریم از نظر گام های بسیاری معجزه است و مانند ناپذیر. «نور است، علم است، هدایت است، بیان است، شفا است، برهان است، حکمت است و اختلافی در آن نیست بلکه رافع اختلاف است و جهات کمالیه قرآن مجید منحصر به فصاحت و بلاغت آن نیست. همه ی آن جهات، معانی و ... در قالب بلیغ ترین و بالاترین نوع ممکن سخن ادا شده است.

پس ناموس بلاغت در آن به حد اعلی، رعایت و معمول گشته است بدین گونه قرآن به جز دیگر جهات و جنبه های بسیار مهم آن، از نظر لفظ و بلاغت، و زیبایی و فصاحت و وفور عنصر ادبی در آن، نمونه ای مانند ناپذیر است و رعایت حکمت بلاغت در آن اصلی است بنیادی و استوار»^{۱۱}

خلفای خدا در زمین نیز از قانون الهی و حکمت بلاغت پیروی کرده اند.

بلکه این امر در وجود آنان مفسور بوده است. آنان همه فصیح بوده اند و بلیغ و نیکو سخن می گفته اند و زیبا، از این رو آنچه از پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و دیگر امامان علیهم السلام رسیده است - پس از قرآن - بلیغ ترین و فصیح ترین کلام است.

آنان خوب توجه داشته اند که باید سخن ارشاد و هدایت را به صورت جاذبه دار ادا کرد. گذشته از این، در مورد ناقلان و راویان کلام خود و چگونگی نقل نیز، حساسیت نشان می داده اند و تأکید می کرده اند تا «کلام فصیح» آنان را به همان صورت درست و اصیل روایت و نقل کنند و به همان وجه اصلی نشر دهند. امام صادق علیہ السلام در حدیث صحیح می فرماید:

«اعربوا حدیثنا فانا قوم فصحاء»^{۱۲} سخن ما را اعراب گذاری کنید [و به صورت درست نقل کنید. واژه های آن را صحیح تلفظ کنید و بر طبق دستور زبان،] زیرا ما خود فصیحیم [و درست سخن می گوئیم].^{۱۳}

با توجه به اهمیت این قالب نگارشی و جایگاهی که در جامعه ما به ویژه بین جوانان و نوجوانان دارد، شایسته است با ویژگی های این سبک

قرآن به جز دیگر جهات و جنبه‌های بسیار مهم آن، از نظر لفظ و بلاغت، و زیبایی و فصاحت و وفور عنصر ادبی در آن، نمونه‌ای مانند ناپذیر است و رعایت حکمت بلاغت در آن اصلی است بنیادی و استوار

آشنا شویم.

ویژگی‌های شیوه ادبی^{۱۴}:

الف - وظیفه‌ی اصلی آن تفهیم و تفاهم نیست از این رو دریافت پیام آن تنها با تأمل و ظرافت ممکن است.

ب - زبان ادبی، زبان عاطفه و احساس است و قابل تصدیق و تکذیب نیست.

ج - مدار زبان ادبی، معانی مجازی واژه‌هاست.

د - در زبان ادبی معمولاً اهمیت دال از مدلول بیشتر است. از این رو در واژه‌گزینی تنها به واژه نظر نمی‌شود بلکه زیبایی و آهنگ و شورانگیزی و ... نیز مراعات می‌گردند.

ه - در زبان ادبی چگونگی بیان

(قالب) بسیار مهم‌تر از اصل پیام است.

و - زبان ادبی به صورت یک بافت هنری است که در آن واژه‌ها بارشده‌های گوناگون موسیقایی و مفهومی و ارتباطی و بلاغی به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

ز - زبان ادبی در حقیقت نوعی نقاشی و تصویرگری است و کمتر به روایت تنها می‌پردازد.

ح - زبان ادبی معمولاً با بزرگنمایی و اغراق همراه است.

ط - در زبان ادبی تکرار فراوان است چه زبانی چه معنایی.

ی - بسیاری از موجودات در آثار ادبی وهمی و خیالی‌اند.

راه عملی:

قبلاً یاد کردیم که «تبلیغ‌گفتاری» با «تبلیغ‌نوشتاری» رابطه‌ای نزدیک دارند زیرا در پرتو آشنایی با واژه‌ها و ترکیب‌های جذاب و ادبی‌گوش نیز متأثر می‌گردد و خطیب به زیبایی به تصویرگری و تبیین مطالب می‌پردازد. برای این مهم مبلّغ باید با متن‌ها و نوشته‌های ادبی سروکار داشته باشد و آن‌ها را به خاطر بسپارد و در بیان مطالب از آن‌ها استفاده کند. بهتر است ترکیب‌ها و واژه‌های جالب را یادداشت

کند تا منبعی برای خود و دیگران باشد. مبلّغی که انگیزه نویسندگی دارد، نباید هیچ گاه از نگارش باز ایستد و به کمک واژه‌های ادبی و ترکیب‌های دلنشین جملات جدیدی خلق کند و به حدی برسد که خود کلمات و جملات تازه‌ای بسازد.

می‌شود.

ب - متنوع و رنگارنگ باشد: این تنوع را می‌توان با استفاده از عناصری چون ضرب المثل شعر، امثله و حکایت‌های شیرین، کلمات قصار، تشبیه معقول به محسوس، تخیل ایجاد کرد.

عوامل جذابیت نوشته:

برای جذابیت بخشیدن به نوشته باید

یک - واژه‌هایی را انتخاب کنیم که الف - از لحاظ ذوق سلیم ادبی

درست باشند.

ب - از زبان خودی بجوشد و با اصول آن سازگار باشند.

ج - با سبک نوشته‌ی ما و مخاطب تناسب داشته باشند.

د - خوش آهنگ و دلنشین باشند. هـ - برای رساندن مفاهیم توانمند و شایسته باشند.

دو - در ترکیب نوشته تلاش کنیم که

الف - یک دست و هماهنگ باشد؛ گاهی شیوه‌های نگارشی با هم خلط می‌گردد مثلاً: ساختار کلی نوشته گاهی ساده و گاهی ادبی، گاهی محاوره‌ای و گاهی رسمی، گاهی کهن و گاهی نو

ب: شعر

قال رسول الله ﷺ «ان من الشعر لحكماً وان من البيان لسحراً؛ همانا برخی شعرها حکمت و بعضی بیان‌ها سحرگونه است.»^{۱۵}

شعر و هنر زیباترین قالب برای همه‌ی پیام‌های نوین و مایه‌ی گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطّی وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است و شاعران و سخنرانان آگاه همیشه توانسته‌اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه روزگار با نقشی جاودانه به نسل‌های بعد از خود بنمایانند.^{۱۶}

«در زبان‌های اسلامی به ویژه عربی و فارسی، قصاید، حکامه‌ها، قطعه‌ها و آثار بسیاری در ثنای پیامبر اکرم ﷺ سروده شده است.

مدایح مذهبی، از مقوله شعر متعهد است نه مجرد. چون در این گونه

آثار، شاعران حقانیت رهبران الهی و راه آنان را می‌نمایانند و می‌کوشند تا با زبان والای شعر، حقایق را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و موضع مردان حق و رهبران سعادت و عدالت را در برابر دیگران به ویژه جباران و ستم‌گستران تحکیم بخشند و استوارتر دارند... این آثار از نظر اخلاقی نیز سودمند است، زیرا در آن‌ها ذکر فضایل اخلاقی، خصلت‌ها، آداب، رفتار پیشوایان، آزادگی‌ها، فداکاری‌ها، پاکی‌ها و مجاهدت‌های آنان و محبت آنان به انسان‌ها و توده‌ها آمده است و این‌ها همه، به صورتی عمیق، پرورش دهنده و آموزنده است.»^{۱۷}

نگره دینی به شعر:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتاً فی الجنة؛

کسی که درباره ما بیتی شعر بسراید، خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند.»^{۱۸}

«ما قال فینا قائل بیت شعر حتی یؤید بروح القدس؛ سـراینده‌ای درباره‌ی ما بیتی شعر نگفت، مگر آن که با روح القدس تأیید شد.»^{۱۹}

اولین کسی که شعر گفت:

«سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن اول من قال الشعر» فقال: آدم فقال: و ما كان شعره؟ قال: لما انزل علی الارض من السماء فرأى تربتها وسعتها و هواها و قتل قابیل هابیل فقال آدم علیه السلام

تغیرت البلاد و من علیها

فوجه الارض مغبر قبیح

تغیر کل ذی لون و طعم

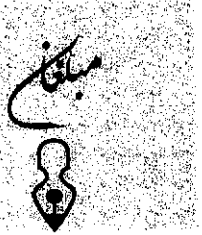
وقل بشاشة الوجه الملیح؛

از امیرمؤمنان علیه السلام از اولین کسی که شعر سرود سؤال شد.

آن حضرت فرمود: آدم علیه السلام، سؤال کننده پرسید: شعر او چه بود؟ امام علیه السلام فرمود: وقتی آدم از آسمان به زمین فرود آمد و خاک و وسعت زمین و هواهای نفسانی در آن و کشتن قابیل هابیل را دید چنین گفت: «...»^{۲۰}

پیغمبر از شعر و شعرا که آن روز رایج‌ترین و برنده‌ترین ابزار فرهنگی بود تا آن‌جا که ممکن بود استفاده کردند.^{۲۱}

رسول امین شاعران متعهد را فرمانروایان کشور سخن می‌خواند، این سیره‌ی نیکوی اولیاء الله است که ارجمندترین حقایق را در نفیس‌ترین حله‌های بیان، بر دل‌های پاک عرضه کنند و سخن فاخر و برنده‌ی خود را



همچون ذوالفقاری پیروز بر پیکر
سیه کاران دوران فرود آورند.^{۲۲}

کاربرد شعر در تبلیغ

گاهی یک بیت شعر گویاتر از چند ساعت سخن گفتن یک سخنور تواناست و ارزش شاعری که قصیده او از محتوای خوب، الفاظ زیبا و مضمونی مناسب برخوردار است، از یک دانشمند کمتر نیست و لازم است اشعار قوی فارسی که در تفهیم عقاید و اخلاق اسلامی و مسایل سیاسی و یا هر آنچه در ارتباط با نیاز امروز جامعه‌ی اسلامی سروده شده را از کتب گوناگون استخراج و به احیای آن اهتمام ورزند.^{۲۳}

ویژگی‌های زبان شعر:^{۲۴}

زبان شعر در میان عناصر گوناگون شعری دارای جایگاه بلندی است. یکی از جنبه‌های زبان شعر، واژه سازی و توجه به کاربرد کلمات و گزینش آن‌ها در یک اثر ادبی به ویژه شعر است که در چند جهت قابل توجه است.

۱- دقت در گزینش واژه‌های

مناسب:

باید از واژه‌هایی که تلفظ سنگین دارند و تنافر ایجاد می‌کنند، پرهیز کرد.

۲- موسیقی کلمات:

موسیقی آهنگ یکی از عناصر مهم شعر است و وجود وزن و قافیه و بسیاری از صنایع ادبی همه در خدمت همین عنصر موسیقی در شعر است.

۳- لزوم نوآوری در کلمات:

الفاظ و واژه‌ها در زبان عنصری زنده، متحرک و بالنده‌اند. شاعر توانا باید در هر دوره‌ای با بهره‌گیری از واژه‌های رایج و زیبا بر غنای زبان بیفزاید و از تکرار بی‌فایده پرهیز کند.

۴- ترکیب و تألیف واژه‌ها:

یکی از راه‌های جبران فرسودگی واژه‌های کهن و همچنین برآوردن نیازهای جدید کلمات، ترکیب سازی است و زبان فارسی از زبان‌هایی است که امکان ساخت ترکیب در آن زیاد است و در ردیف نیرومندترین زبان‌های دنیاست.

ترکیب کلمات و ساخت ترکیب‌های جدید باید، رسا در مفهوم، مطابق با دستور زبان و دارای آهنگ باشد.

انواع شعر:

با توجه به کاربرد و اهمیت شعر در وادی تبلیغ خوب است به صورت گذرا نگاهی به انواع آن داشته باشیم و به

دلیل ضیق مجال از آوردن نمونه
بپرهیزیم، اما چند اصطلاح شعری:

بیت: حداقل کلام منظوم است که از
دو مصراع پدید آمده است.

مصراع: نیمی از بیت است.
وزن: وزن در شعر حاصل نظم و
تناسبی است که در صوت‌های ملفوظ
ایجاد می‌شود.

عروض: یعنی آنچه شعر به آن
عرضه می‌شود و با آن محک می‌خورد که
یکی از دانش‌های ادبی است، و از
چگونگی ایجاد وزن و انواع و شگردهای
ویژه‌ی آهنگ شعر سخن می‌گوید.

قافیه: کلمات آخر ابیات است که
آخرین حرف اصلی آن‌ها یکی است. به
شرط این که کلمات عیناً تکرار نشده
باشد.

ردیف: در صورتی که کلمه‌ای عیناً
در آخر اشعار تکرار شود، آن را ردیف و
کلمه پیش از آن را قافیه می‌گویند.

۱- غزل:

غزل عمومی‌ترین قالب شعر
فارسی است و شاعران برای بیان مطالب
درونی خود از آن بسیار بهره‌گرفته‌اند،
شکل ظاهری آن شبیه به قصیده است و
تمامی مصرع‌های زوج آن با مصرع اول
بیت هم قافیه است، تعداد ابیات آن را

بین پنج تا پانزده دانسته‌اند.

ویژگیهای غزل:

الف - احساسی و عاطفی است.
ب - حالات درونی را بیان می‌کند.
ج - ظاهری گسسته و ژرف ساختی
واحد دارد.
د - برای طرح اندیشه مجال تنگ
دارد.

هـ - به دور از تکلف است.

و - دارای لطافت وازگانی است.

این قالب شعری به دلیل مضمون
به انواعی چون عاشقانه، عارفانه،
قلندرانه، تعلیمی، مضمونی و اجتماعی
تقسیم می‌گردد.

پس از انقلاب این نوع شعر غنی‌تر
شد و از لحاظ محتوا انواع دیگری چون:
سوگ سروده، اعتراض، مدحی و عارفانه
اجتماعی پیدا کرد.^{۲۵}

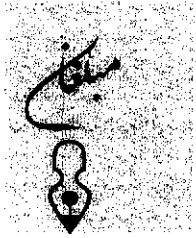
۲- مثنوی:

مثنوی شعری است که همه‌ی
ابیات آن به یک وزن و در هر بیت مصراع
فرد با مصراع زوج آن هم قافیه است. و
قافیه هر بیت با بیت دیگر متفاوت است.

ویژگیهای مثنوی:

الف - تعداد زیاد ابیات
ب - اوزان نسبتاً کوتاه





ج - داستان پردازی

مثنوی را نیز می توان از لحاظ محتوا به حماسی، عاشقانه، عارفانه و جگمی تقسیم کرد. وجه تمایز مثنوی دوران انقلاب از قبل آن:

۱ - داستان پردازی در آن کم است.

۲ - اوزان بلندتر است.^{۲۶}

۳ - رباعی و دوبیتی:

شعری است مرکب از دوبیت که مصرع بیت نخست آن با مصراع های دوم و چهارم هم قافیه است و هر چهار مصراع هم وزنند. این نوع شعر از قدیمی ترین و خوش آهنگ ترین قالب های شعر فارسی است.

این گونه شعر به دلیل ثابت بودن قالب مسیر مشخصی را برآن طرح و القای موضوع طی می کند.

و دارای انواعی چون عاشقانه، عارفانه، حکمت و چیستان است.

رباعی انقلاب به مضمون های عالی دیگری چون شخصیت های انقلاب، شهداء و حماسه ها نیز پرداخته و بیشتر توجه کرده است.

در گذشته به رباعی دوبیتی هم می گفته اند اما با توجه به این که از نظر وزن با رباعی متفاوت است بهتر است

آن ها را جدا کنیم.^{۲۷}

۴ - قصیده:

شعری است که در آن مصرع اول بیت اول با مصراع های زوج هم قافیه باشد و دارای انواعی چون، مدحی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و رثایی است.

۵ - شعر نو:

آنچه از انواع شعر گذشت به «شعر سنتی» معروف است. اما گونه دیگر از شعر وجود دارد که به لحاظ ویژگی اش به «شعر نو» لقب گرفته است و انواعی دارد.

الف: شعر نیمایی:

شعری است با وزن عروضی که مصراع های آن مانند شعر سنتی با یکدیگر مساوی نیستند و استفاده از قافیه در آن الزامی نیست.

ب: شعر سپید (شاملویی):

این نوع شعر آهنگ خاصی دارد اما بدون وزن عروضی و قافیه در آن جای مشخصی ندارد.

ج - موج نو:

این نوع شعر نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه آهنگ و موسیقی هم در آن آشکار نیست.^{۲۸}

عرصه ی عمل:

با توجه به این که شعر منبع خوبی

برای آشنایی با واژه‌های خوش آهنگ و ترکیب‌های جذاب و شیواست. از این رو مبلغ باید با متون ادبی و دیوان اشعار در ارتباط باشد و با انس گرفتن با سروده‌ها با اوزان شعری آشنا گردد. شایسته است اشعار مناسب را به صورت موضوعی جمع آوری و حفظ کند تا در سنگر تبلیغ بتواند از آن‌ها بهره ببرد.

آنان که به سرودن شعر علاقه دارند و ذوق و استعداد آن را در خود یافته‌اند، افزون بر آنچه گذشت، تلاش کنند و اشعار خود را به نقد بگذارند تا از لحاظ وزن و مفهوم اصلاح گردد. و بهتر است کار خود را با شعر نو و مثنوی آغاز کنند تا با مشکل وزن‌های محدود و بلند بر نخورند. در هر حال باید بدانیم آشنایی و استفاده از قالب شعر در تبلیغ یک ضرورت است.

ادامه دارد...

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - موعظه نیکو (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۱۳.
- ۲ - همان، ص ۱۵.
- ۳ - فصلنامه هنر دینی، شماره دوم، ص ۱۱.
- ۴ - موعظه نیکو، (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۱۲.

- ۵ - فصلنامه هنر دینی، شماره ۱، ص ۹.
- ۶ - موعظه نیکو، (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۱۲.
- ۷ - فصلنامه هنر دینی، شماره اول، ص ۹۰.
- ۸ - موعظه نیکو، (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۱۷.
- ۹ - هنر از دیدگاه مقام رهبری، ص ۱۹.
- ۱۰ - کتاب «روش‌های حجة الاسلام جواد محدثی برای آشنایی با این روش‌ها بسیار مناسب است.
- ۱۱ - محمد رضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۳.
- ۱۲ - اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب ۱۷، حدیث ۱۳.
- ۱۳ - محمد رضا حکیمی، ادبیات و تعهد، ص ۳۱.
- ۱۴ - سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، بر ساحل سخن، صص ۱۶۲ - ۱۵۹.
- ۱۵ - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۰۰.
- ۱۶ - موعظه نیکو، (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۹۸.
- ۱۷ - محمد رضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۲۳۴.
- ۱۸ - میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۰۰.
- ۱۹ - همان، ص ۱۰۱.
- ۲۰ - همان.
- ۲۱ - موعظه نیکو، (رهنمودهای مقام معظم رهبری در عرصه تبلیغ)، ص ۱۰۰.
- ۲۲ - همان.
- ۲۳ - همان، ص ۹۹.
- ۲۴ - ر.ک، مجله شعر، شماره ۲۷، ص ۳۰.
- ۲۵ - سید اکبر میرجعفری، «حرفی از جنس زمان (تأمل در شعر انقلاب اسلامی)»، ص ۱۶.
- ۲۶ - همان، ص ۹۸.
- ۲۷ - همان، ص ۱۷۲.
- ۲۸ - همان، ص ۲۵۳.

مبلغ



۹۳